

## بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

محمد مهدی مهدی پور\*

دکتر عبدالرضا مدرس زاده\*\*

چکیده

حوزه هنر و زیبایی در حقیقت یکی از میدان‌های جنجال برانگیز معارف بشری و در این میان از جان مایه‌های ادبیات و امری جدایی‌ناپذیر از شعر است. زندگی و سرنوشت پیامبران و امامان به عنوان انسان‌هایی کامل، یکی از غنی‌ترین منابع الهام در شکل‌گیری آثار هنری و ادبی، همواره سرچشمه مضمون آفرینی و تصویرسازی شاعران و نویسندگان در ادب فارسی بوده است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بررسی سرگذشت پیامبران و امامان در دیوان سلیم از منظر زیبای‌شناختی است. این شاعر سبک هندی با طرح هنرمندانه اشعارش از سرگذشت ۱۲ پیامبر و ۳ امام بهره برده که جلوه‌های زندگی حضرت خضر (ع) بالاترین بسامد را دارد. روش این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف نظری است و مطالب آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با هدف شناخت و معرفی جنبه‌های زیبای‌شناختی در سیمای پیامبران و امامان در این اشعار تدوین شده است. شعر این شاعر سبک هندی از نمودهای فراوان زیبای‌شناسی و شیوه‌های بلاغی گوناگون مانند تشبیه و اغراق بهره جسته است. وی با این شگردها، کوشیده است توصیف‌هایی دقیق و روشن از موضوع‌های شعری‌اش ارائه کند.

واژه‌های کلیدی

زیبای‌شناسی، داستان پیامبران و امامان، صور خیال، موسیقی شعر، دیوان سلیم

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، کاشان.

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، کاشان. (نویسنده مسوول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۷

زیبایی یکی از جان مایه‌های ادبیات و هنر ادبی و امری جداناپذیر از شعر است. «ادگارد آلن یو» دربارهٔ زیبایی شعر می‌گوید: «شاعر با نیک و بد یا حقیقی بودن کاری ندارد و سر و کارش فقط با زیبایی است. وظیفهٔ نخستین او رسیدن به زیبایی برین است که زیبایی این جهانی جلوه‌ای از آن است.»

از آنجایی که هر اثر ادبی در بنیان خود زیباست می‌توان آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرد. در شعر ظهور هر عاطفه و احساس در غالب زبانی مخیل شکل می‌گیرد و با موسیقی مناسب و هماهنگ، توان تأثیر و القا پیدا می‌کند. بنابراین چنان‌که بحث نشان می‌دهد زیبایی زبان، موسیقی و تخیل در بخش روساخت و زیبایی محتوا در بخش ژرف ساخت، ارکان سازنده زیبایی شعر است که در این میان نقش صناعی بدیعی چشم‌گیر است. صنایع و آرایه‌های بدیعی اعم از لفظی و معنوی موجب زیبایی و دلنوازی و تأثیرگذاری بیشتر کلام منظوم است از جمله زیبایی کلام بدیع، بیان و معانی است به لحاظ آن‌که شعر یک هنر متعالی ارزیابی می‌شود و هر اثر هنری در بنیان خود زیباست می‌توان آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرد. بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، دانشی است که با آن راه‌های زیبایی سخن آشکار می‌شود. به طور کلی هنر کلامی برای مؤثر شدن از دست مایه‌های گوناگون بهره می‌گیرد. این دست مایه‌ها که در نتیجه برانگیخته شدن الهام شاعر است از عواملی که جهان پیرامون او را می‌سازند تأثیر می‌پذیرد. داستان‌های کهن و سرگذشت پیامبران، یکی از سرچشمه‌های برانگیخته شدن الهام شاعران شمرده می‌شود. داستان انبیاء و امامان در آثار شاعران به صورت تلمیح نمود می‌یابد. تلمیح یکی از دست مایه‌های زیبایی‌شناختی است که در آن الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت دارد. آنچه در نمایان شدن سرگذشت پیامبران مهم است انعکاس موجز و تلمیحی جلوه‌های زندگی انبیاء الهی است؛ از این رو، پرهیز از اطناب یکی از ویژگی‌های تلمیح شمرده می‌شود. ارزش زیبایی‌شناختی تلمیح در آن است که در ژرف ساخت آن، تشبیه و تناسب وجود دارد؛ «زیرا اولاً رابطه تشبیهی بین مطلب و داستان است؛ دوم آن‌که بین اجزای داستان تناسب وجود دارد.»

## بیان مساله

بررسی اندیشه‌ها و شگردهای زبانی، ادبی شاعران از زوایای گوناگون قابل توجه است. در این میان منابعی که شاعران درون مایه شعر خود را از آنجا گرفته‌اند اهمیت کلیدی در بازشناسی آبخور اندیشه‌های آنان دارد. در این پژوهش سوال اصلی تحقیق «توجه به زندگی انبیا و اولیا چه اندازه در شعر سلیم تهرانی تأثیر هنری داشته است؟» می‌باشد. پژوهنده پس از شرح بهره‌گیری از داستان پیامبران و امامان در دیوان سلیم به ذکر بسامد و کاربرد آنان در دیوان شاعر مذکور، پرداخته است؛ سپس ابزار بیانی و آرایه‌های بدیعی که در این پژوهش مورد اقبال قرار گرفته، بحث و بررسی شده تا میزان احاطه و آگاهی شاعر از دانش‌های روزگار خود مشخص گردد.

## سوالات تحقیق

- بهره‌گیری سلیم از داستان پیامبران و امامان تا چه اندازه بوده است؟
- مهم‌ترین ویژگی زبانی شعر سلیم در سیمای پیامبران و امامان چیست؟
- صور خیال و صناعات بدیعی چه جلوه‌ای در شعر سلیم دارند؟
- در شعر سلیم چه آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟

## پیشینه تحقیق

دیوان سلیم و اشعارش مانند دیگر شاعران مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است و مقالاتی در مورد تحقیق در احوال و آثار و تصحیح دیوان سلیم از رحیم‌رضا، فرهنگ تشبیهات دیوان سلیم از خردسندپور - نسرين، استعاره در غزلیات سلیم از شهبازی، خدیجه نوشته شده. اما تا به حال در مورد بررسی زیباشناختی در سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است. در این مقاله پژوهش‌گر با بررسی این موضوع که شاعر با دست مایه قرار دادن داستان انبیاء در پی طرح موضوعات متنوعی چون مدح، شکایت، مضامین

## ۱۰۶ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

اخلاقی و... است که در این میان برای رسیدن به مقصود خویش از شیوه‌های بلاغی گوناگون مانند تشبیه و اغراق بهره جسته است. وی با این شگردها کوشیده است توصیف‌های دقیق و روشن از موضوع‌های شعریش ارایه کند.

### ضرورت انجام تحقیق

واکوی زیبایی‌شناسی در شعر شاعران و بررسی نگرش‌های آنان نسبت به پیامبران و امامان در دوره‌های مختلف شعری و در این میان سلیم تهرانی، هم‌چنین نگرش و میزان تأثیرپذیری او از سیمای انبیاء و اولیا در تحلیل این زیبایی‌شناسی ضرورت انجام این مقاله را نمایان می‌سازد. بازی‌های زبانی شیوه بیان، میزان موفقیت این اثر در انتقال مفاهیم به خواننده از جمله موضوعاتی است که این نوشتار بدان پرداخته است. تلمیح به داستان زندگی پیامبران و امامان از نمودهای برجسته‌ای است که در شعر سلیم قابل ملاحظه است تا جایی که نام و القاب و سرگذشت ایشان را برای انتقال مفاهیم به خواننده بسیار متنوع و گسترده به کار برده است. این نوشتار در پی آن است که با تحلیل زیبایی‌شناسانه سیمای پیامبران و امامان به شناخت بهتر شعر سلیم و نیز فهم برخی از اعتقادات و اندیشه‌های این شاعر گمنام و نوع به کارگیری زبان و آگاهی از توانمندی‌های وی پردازد.

### روش کار

روش این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف نظری است و مطالب آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با هدف شناخت و معرفی جنبه‌های زیبایی‌شناسی سیمای پیامبران و امامان در شعر سلیم تهرانی است. بدین ترتیب که پس از مطالعه دیوان سلیم و فیش برداری از ابیات حاوی زیبایی‌شناسی در سیمای پیامبران و امامان در دیوان وی به طبقه‌بندی و تنظیم فیش‌ها پرداخته شد. سپس با مراجعه به منابع و مآخذ مورد نیاز، اطلاعات لازم استخراج و مطالب و یافته‌ها با استفاده از کتاب‌ها و فرهنگ‌های مختلف مستند سازی شد.

## واژه ها و اصطلاحات

سخن ادبی کلامی است که موجب تهییج و تسکین درونی، شادی و غم در شنونده می‌شود. یعنی در حقیقت گوینده سخن را به گونه‌ای با استادی و مهارت بیان می‌کند که شنونده را به کاری وا می‌دارد یا کاری باز می‌دارد. این قوه تأثیر ناشی از روح بلاغت و فصاحت یا به گفته حافظ «آنی» است که در سخن دمیده می‌شود. می‌گریاند و می‌خنداند. (علوی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۰)

## صور خیال

استاد شفیعی کدکنی درباره صورخیال این‌گونه می‌نویسد: خیال جوهره اصلی و ثابت شعر است و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریفی دقیق نیست. خیال عنصر اصلی شعر است در همه تعریف‌های قدیم و جدید است و هرگونه معنی دیگری را در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد. منظور از کلمه خیال همان ایماژ فرنگی است که چون نمی‌دانستند به آوردن مجموع اصطلاحات از قبیل اغراق تشبیه، استعاره بپردازند این کلمه را برای مجموع این اصطلاحات به کار گرفته‌اند. (کدکنی، ۱۳۵۰: ۲۰)

## فصاحت و بلاغت

فصاحت به فتح اول به معنی نیکو سخن گفتن است و آن ثلاثی مجرد است «فصح، یفصح، فصاحه» اما فصاحت در لغت به معنی آشکارشدن و روشن شدن است چنان که فصیح اصبح یعنی صبح روشن شد. منظور از فصاحت این است که کلمات درست و مطابق مرسوم و کلام روشن و استوار باشد. این مقصود عمدتاً برای اهل زبان، حاصل است و با تسلط بر دستور زبان و آشنایی با آثار ادبی تقویت می‌شود. بلاغت نیز به فتح اول مصدر ثلاثی مجرد است «بلغ، یبلغ، بلاغه» به معنی فصیح بودن و دارنده آن صفت را بلیغ می‌گویند. منظور از بلاغت این است که کلام دلنشین و موثر و رسا و به اصطلاح وافی به مقصود باشد، و بلیغ کسی است که بتواند ما فی الضمیر خود را به نیکویی بیان کند و به اصطلاح مطلب خود را به راحتی برساند. (شمیسا، ۱۳۸۹: ۵۸)

## بیان

بیان عبارت است از مجموعه قواعد و قوانینی که به وسیله آنها می‌توان یک معنی را به گونه‌ای متعدد بیان کرد؛ به شرط آن که این شیوه‌های گوناگون، در میزان روشنی و پوشیدگی ا یکدیگر متفاوت باشند و این تفاوت مبتنی بر تخیل باشد. (علوی مقدم، ۱۳۹۰: ۸۵) دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن آدمی را باچهره گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می‌سازد. (تجلیل، ۱۳۷۰: ۴۵)

بیان دانشی است که در آن از چگونگی باز گفت و باز نمود اندیشه‌ای به شیوه‌های گوناگون سخن می‌رود. (کزازی، ۱۳۷۰: ۳۰)

## زیبایی‌شناسی در شعر

زیبایی‌شناسی در شعر اثر هنری حرکتی است از مرئی به نامرئی، از آشنایی و عادت به عادت شکنی و بیگانه‌سازی، این مفهوم اندیشه آشنایی زدایی و هنر را تشکیل می‌دهد که اولین با توسط «اشسکلوفسکی» نظریه پرداز روس ارایه شد. هنر از جمله شعر، عادت و نگرش ما را به جهان عوض می‌کند و ما را متحول می‌سازد. (قرشی، ۱۳۸۳: ۲۳۸)

در بحث زیبایی‌شناسی شعر همواره باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که هر شعر از دو قسمت صورت و محتوی تشکیل می‌شود و زیبایی لفظی و معنوی در کنار هم هستند که می‌تواند شعری زیبا و خواننده پسند خلق کنند، یک محتوای خوب زمانی که در قالب کلمات و لغات برگزیده پی‌ریزی شود جذاب و دلنشین‌تر خواهد بود. (رک: نفیسی، ۱۳۶۹: ۲۱)

«اما حوزه هنر و زیبایی در حقیقت یکی از میدان‌های جنجال‌برانگیز معار بشری، از گذشته تا کنون بوده است که دیرینگی آن، با تاریخ انسان برابر می‌باشد. متصدی این میدان، گاهی فلسفه و گاهی روان‌شناسی و گاهی هم علم اخلاق است.» (صیادکوه، ۱۳۸۶: ۳۱)

در علم بلاغت دانش‌های بلاغی را که منجر به ادبی‌نمودن متون می‌شود به سه قسم تقسیم

بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی □ ۱۰۹

کرده‌اند: بدیع، بیان، معانی و دانش بدیع را نیز به دو قسم بدیع لفظی و معنوی آورده‌اند. بدیع لفظی شامل بررسی جنبه‌های موسیقایی و آرایه‌هایی چون ایهام و ایهام تناسب و انواع تضادها و... مطرح می‌شود. در دانش بیان عمدتاً به چهار بحث تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه پرداخته می‌شود و در دانش معانی بحث‌هایی چون ذکر و حذف مسندالیه، معرفه و نکره بودن آن و مباحثی چون ایجاز و اطناب و مساوات پرداخته می‌شود.

در بررسی زیبایی‌شناسانه اشعار، زیبایی‌های لفظی، معنوی، زیبایی‌های صوری (موسیقی)، زبان شعری و محتوی به صورت مستقل مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند و سپس چگونگی پیوند عناصر شکل و محتوی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### بهره‌گیری از داستان پیامبران و امامان در دیوان سلیم

تاریخ و زندگی پیامبران به عنوان انسان‌هایی کامل و آسمانی برای بشر الگویی بوده است. اشاره به داستان پیامبران در شعر شاعران اواخر قرن ۴ و ۵ و بسیاری از شاعران قرن ۶ هجری از محدوده اشارات موجز به آیات قرآن کریم فراتر نرفته است؛ تنوع در محدوده همین اشارات موجز به میزان وسعت اطلاعات شاعر از علوم متداول عصر به خصوص قرآن و حدیث و تفسیر بستگی دارد. (ر.ک پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۷)

بهره‌گیری سلیم از داستان پیامبران از نظر کمی و کیفی، تحول و تنوع چشم‌گیری دارد. تنوع مایه‌های تلمیحی در حوضه داستان پیامبران، ناشی از وسعت اطلاعات سلیم در زمینه قرآن و تفسیر و حدیث و تنوع مضمون‌های شعری و نیروی تخیل او است. قصص پیامبران، اشارات قرآنی، تفسیری و حدیثی و باورهای مسیحی به صورت‌های گوناگون در تصویر سازی اشعارش مجال ظهور یافته است. رعایت تناسب‌ها در شعر و آوردن صنایع لفظی و معنوی شیوه‌ای بوده است که همه شاعران از جمله سلیم با آن مأنوس بوده‌اند.

۱۱۰ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

### بسامد داستان انبیاء و امامان در دیوان سلیم

سلیم در دیوان خود به داستان زندگی پیامبر و سه امام اشاره کرد که میزان تکرار آن به صورت انبیاپی در جدول ذیل آمده است.

جدول میزان تکرار نام و سرگذشت پیامبران و امامان در دیوان

ردیف	نام پیامبر / امام	میزان تکرار	القاب	میزان تکرار	جمع	درصد
۱	حضرت آدم(ع)	۸	-	۰	۸	۲/۳۹
۲	حضرت نوح(ع)	۵	-	۰	۵	۱/۴۹
۳	حضرت ابراهیم(ع)	۳	-	۰	۳	۰/۸۹
۴	حضرت یعقوب(ع)	۱۹	پیر کنعان	۶	۲۵	۷/۴۸
۵	حضرت یوسف(ع)	۶۳	ماه کنعان	۳	۶۷	۲۰/۰۵
			مه کنعان	۱		
۶	حضرت ایوب(ع)	۶	-	۰	۶	۱/۷۹
۷	حضرت خضر(ع)	۹۹	-	۰	۹۹	۲۹/۶۴
۸	حضرت موسی(ع)	۷	کلیم	۴	۱۱	۳/۲۹
۹	حضرت الیاس(ع)	۳	-	۰	۳	۰/۸۹
۱۰	حضرت سلیمان(ع)	۳۶	-	۰	۳۶	۱۰/۷۷
۱۱	حضرت عیسی(ع)	۲۷	مسیح	۷	۴۶	۱۳/۷۷
			مسیحا	۱۲		
۱۲	حضرت محمد(ص)	۱	احمد	۱	۳	۰/۸۹
			رسول الله	۱		
۱۳	حضرت امام علی(ع)	۹	بوتراب	۱	۱۷	۵/۰۸
			ساقی کوثر	۳		
			شاه نجف	۳		
			شیر خدا	۱		
۱۴	حضرت امام رضا(ع)	۱	بوالحسن	۲	۴	۱/۱۹
			شاه غریبان	۱		
۱۵	حضرت مهدی(عج)	۱	-	۰	۱	۰/۲۹

همان‌گونه که از جدول فوق برمی‌آید نام و القاب حضرت خضر(ع) در دیوان سلیم بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است که جدول فوق به ذکر نام و القاب به کار رفته، پرداخته است چه بسا که در ابیاتی نام و لقب پیامبر و امامی ذکر نشده اما

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۲ ❖ زمستان ۱۳۹۸



### بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی ❏ ۱۱۱

آن غزل و یا قصیده را در مدح ایشان سروده است مثلاً در مورد حضرت رسول (ص) در ابتدای دیوان بعد از حمد خداوند به مدح و منقبت در یک غزل چهارده بیتی به مدح حضرت رسول (ص) پرداخته و به جلوه‌های گوناگونی از زندگی حضرت مانند معراج، براق و شفیع روز قیامت نظر کرده است. حتی در مورد حضرت سلیمان (ع) با این که در سی و شش مورد به ذکر نام ایشان پرداخته اما در ابیاتی با بیان نام مور، هدهد، تخت، جلال و شکوه بارگاه، بلقیس و.... داستان زندگی حضرت سلیمان (ع) را مدنظر داشته است. هم‌چنین با این که نام حضرت علی(ع) را در ۹ مورد آورده اما وی این امام همام را در یک غزل شش بیتی و پنج قصیده که تنها یکی از آنها ۷۴ بیت است وصف نموده است. در مورد امام رضا (ع) نیز با این که تنها در یک مورد نام ایشان را آورده اما در سه قصیده که فقط یکی از قصاید ایشان ۱۳۹ بیت است به منقبت و توصیف امام رضا (ع) پرداخته است. ارادت ایشان نسبت به حضرت مهدی (عج) نیز قابل توجه است و نباید به ذکر تنها یک مورد نام ایشان فقط توجه کرد چون در یک قصیده سی بیتی به وصف و اشتیاق انتظار خود پرداخته است. یکی از موارد قابل توجه در دیوان سلیم در توجه به سیمای پیامبران و امامان برای مدح است که به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف) اشعاری که در مدح ممدوحان سروده است.

ب) اشعاری که در ستایش و مباحات خود گفته است.

برای نمونه، زمانی که شاعر می‌خواهد خجستگی یوسف خان را توصیف کند متوسل به ذکر نام حضرت یعقوب (ع) می‌شود.

عزیز کرده پروردگار یوسف خان کزو چو دیده یعقوب شد جهان روشن

(دیوان: ۳۸۷)

شاعر با چنین رویکردی به ممدوح خود مشروعیت دینی بخشیده و او را در چشم دیگران، پادشاهی آرمانی جلوه داده است و گاهی برای مفاخره و مباحات خود کلام خویش را با اعجاز عیسی برابر می‌داند.

## ۱۱۲ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

سهل باشد مرده را گر زنده می‌سازد سلیم هم‌چو عیسی از لب او دیده‌ام اعجازها

(دیوان: ۲۲)

و یا در جایی دیگر برای ستایش خود می‌گوید:

زان شعله که از تور دلم کرد تجلی یک اخگر افروخته در دست کلیم است

(دیوان: ۱۲۱)

هم‌چنین عشق و مهر مادر و پدر را نسبت به خود این گونه می‌گوید:

دل مادر ز مهر من پر آشوب پدر در عشق من هم چشم یعقوب

(دیوان: ۴۶۸)

حتی گاهی برای مباحات خود و نکوهش حسادت و شکایت از اطرافیان چنین سروده است:

بس که اخوانند چون یوسف به من نامهربان گرگ هم‌چون پاسبانی بر سر چاه من است

(دیوان: ۱۲۹)

سرگذشت خویش را یوسف فراموش می‌کند گر بگویم من چه از دست برادر می‌کشم

(دیوان: ۲۷۲)

شاعر گاهی برای بیان اصول اخلاقی و انسانی به ذکر نام انبیاء توجه نموده است:

غم مخور فکر سخن کن عقل اگر داری سلیم مشتری کم نیست چون یوسف به بازاری رود

(دیوان: ۱۸۹)

بگذر از پستی اگر داری بلندی در نظر راه بر معراج یوسف را جهان از چاه داد

(دیوان: ۱۴۴)

بلندی بایستت بگذر ز پستی ره معراج یوسف، چاه باشد

(دیوان: ۱۵۷)

تأمل در گوشه‌ای از تاریخ پیامبران و امامان در اشعار سلیم تهرانی حاکی از این است که

نخبگان فرهنگی و ادبی در عصر وی و در سبک هندی به این موضوعات و تلمیح به این

بزرگواران گرایش فراوانی داشته‌اند.

### واژگان و ترکیبات شعر سلیم

واژگان شعر سلیم تهرانی در شعرش بیشتر واژگان فارسی امروزی است البته در بعضی موارد از واژگان و ترکیبات کهن چون طاس چهل کلید، جناق شکستن و... نیز استفاده کرده است اما در زیبایی شناسی انبیا و اولیا بیشتر از واژگان فارسی استفاده شده است.

استفاده از واژگان عربی برای نسبت دادن به انبیا و اولیا

شَفِیع روز قیامت محمد مرسل که قبله گاه جهان کرده طاق ابرو را

(دیوان: ۱۹)

شاه دین، مهدی هادی که به عهدش ز نشاط دل ویران شده غمزدگان آباد است

(دیوان: ۳۵۹)

### تخفیف واژه

برای توصیف و توضیح ویژگی های انبیا بعضی از واژگان را به صورت مخفف به کار برده اند.

چون خضر تواند کند اصلاح دل ما؟ ویرانه ما را ره تعمیر گرفته ست

(دیوان: ۱۳۲)

سلیم یوسف دل را خبر چه می پرسی بجز خدای، که داند که در کدام چه است

(همان: ۱۱۵)

چه خوب ابر بهاری برآمد از گرداب جهان کشید برون یوسف از چه بیژن

(همان: ۳۷۰)

### فعل

فعل در جمله جایگاه اسناد را اشغال می کند یعنی یا خود به نهاد اسناد داده می شود، یا

## ۱۱۴ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

کلماتی را به آن اسناد می‌دهد. (گیوی، ۱۳۸۴: ۱۸) فعل عنصری محوری در شعر است که سایر عناصر حول محور آن شکل می‌گیرند.

### مختصات نحوی شعر سلیم

#### جابجایی فعل

لطف او را با ترازوی قیامت کنار نیست می‌خرد بار گنه از عاصیان پیغمبری

(همان: ۳۵۲)

به حیرتم که شود نمانم از کجا حاصل مرا که خضر شد از بهر آب، رهبر چاه

(همان: ۳۱۳)

#### حذف فعل

لبالب سفره هر مرد دهقان ز نعمت همچو انبان سلیمان

(دیوان: ۴۶۶)

برآورده نی انبان‌وار، فریاد سلیمان را ز قحط، انبان پر باد

(همان: ۴۳۴)

در هردو بیت (است) حذف شده است.

#### رای فک اضافه

رای که بین مضاف و مضاف الیه آمده و ساختار ترکیب اضافی را جابجا می‌کند.

کرد از حجاب حسن تو یوسف ز بس عرق از سر گذشت آب چو فواره چاه را

(دیوان: ۳۳)

بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی ❏ ۱۱۵

سلیم یوسف دل را خبر چه می‌پرسی بجز خدای، که داند که در کدام چه است

(همان: ۱۱۵)

### بدیع

بدیع از نظر علمی، مجموعه فنون و ابزارهایی است که به کمک آنها می‌توان از یک سخن ساده، سخن ادبی و هنری ساخت. سخنی که دارای ارزش زیباشناختی باشد.

### تسجیع

تسجیع یکی از روش‌هایی است که باعث ایجاد رابطه موسیقایی میان دو کلمه یا بیشتر می‌شود. واژه‌هایی که باهم، هم وزن‌اند یا حرف آخر آنها همسان است، اگر در یک جمله به کار روند ایجاد سجع می‌کنند.

سجع متوازن: هماهنگی در وزن

آزار جهان باعث عیش و طرب ماست آتش نکند رقص اگر چوب نباشد

(دیوان: ۱۴۷)

سجع متوازی: هماهنگی در روی و وزن

زان چه خبر داشت که زین سان شده زو خسر عیسی، خسر شیطان شده

(همان: ۴۷۸)

### جناس

روش استفاده از جناس در کلام را تجنیس می‌گویند. روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هرچه بیشتر واکها است؛ به طوری که کلمات هم جنس به نظر می‌آیند، یا هم جنس بودن آن به ذهن متبادر می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۹)

### جناس تام

دو کلمه از نظر املائی شبیه هم هستند اما از نظر معنی باهم فرق دارند.  
بانگ خضر از برای گمراهی توست      گر گوش تو آواز کند، گوش مکن  
(همان: ۴۸۴)

### جناس مضارع

هرگاه دو کلمه در یک حرف باه متفاوت باشند، که آن دو حرف قریب المخرج باشند به آنها جناس مضارع گفته می‌شود.  
زگندم دیده تا حسن برشته      فریش خورده چون آدم فرشته  
(همان: ۴۳۲)

### جناس زائد

آن است که در یکی از دو رکن حرفی زائد بر دیگری باشد.  
بـراق بـرق در معـراج او لـنگ      ز بـاریکی و سـختی چـون رگ سـنگ  
(همان: ۴۱۴)

### کاربرد ابزار بیانی

سلیم تهرانی با استفاده از تلمیح ضمن اشاره به داستان زندگی پیامبران و امامان آن را دست‌آویزی برای مؤثر کردن شعرهایش قرار داده است. در برخی موارد مضمون‌سازی‌های سلیم تهرانی در مورد زندگی پیامبران گسترده و متنوع است. وی حتی گاهی به خاطر این مدح و منقبت به صنعت حسن تعلیل پرداخته چنان‌که در قصیده‌ای که در مدح حضرت علی(ع) سروده است می‌گوید:

## بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی □ ۱۱۷

از این که مدح تو را می‌کند به صفحه رقم به عضوهای دگر دارد افتخار انگشت

(دیوان: ۳۳۶)

سلیم گاه ممدوح را در اعمال و منش به پیامبران تشبیه می‌کند. برای نمونه اغراق را به جایی می‌رساند که در مدح اسلام‌خان چنین می‌گوید:

به صفحه هر نقطه خامه تو رابعه‌ای است که هم‌چو مریم باشد به عیسی آستن

(دیوان: ۳۷۰)

از این رو سلیم با آرایه شخصیت پیامبران در غالب تشبیه و در مقام الگوسازی، ضمن ارتقای معنوی ممدوحان، شخصیت دینی آنان را تبیین می‌کند. این رویکرد سلیم تهرانی ناظر بر این است که فرهنگ دینی در قرن یازده و دوازده هجری، فرهنگ حاکم در جامعه ایرانی بوده است. میزان بهره‌گیری سلیم تهرانی در اشعارش از آرایه‌های بیانی در طرح شاعرانه سرگذشت هر یک از انبیاء متفاوت است. بیشترین و کم‌ترین بسامد کاربرد شیوه‌های بیانی در طرح زوایای مختلف زندگی پیامبران به قرار زیر است:

آدم - تشبیه ۴ بار، ایهام با یک بار بیشترین و کم‌ترین کاربرد را داشته است.

ابراهیم - تشبیه ۲ بار و کنایه با ۱ بار بیشترین و کم‌ترین کاربرد را داشته است.

ایوب - تشبیه ۴ بار مجاز و کنایه هم ندارد.

خضر - تشبیه با ۴۸ مورد بیشترین و کنایه با ۲۶ و استعاره با ۲۳ مورد کم‌ترین مورد را به خود اختصاص داده است.

سلیمان - تشبیه با ۲۱ مورد بیشترین و استعاره با ۹ مورد و کنایه با ۸ مورد کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

عیسی - تشبیه با ۲۳ مورد بیشترین و استعاره با ۱۰ مورد و کنایه با ۶ مورد و مجاز با ۳ مورد کاربرد داشته است.

موسی - تشبیه با ۱۰ مورد بیشترین و کنایه با ۱ مورد کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. محمد - تشبیه ۳ مورد کاربرد دارد.

## ۱۱۸ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

نوح - تشبیه ۳ مورد و کنایه ۲ مورد به کار رفته است.

یعقوب - تشبیه با ۱۴ مورد بیشترین و استعاره با ۷ مورد و کنایه ۴ مورد کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

یوسف - تشبیه با ۳۷ مورد بیشترین و کنایه با ۱۳ مورد و استعاره با ۱۰ مورد و مجاز با ۷ مورد کمترین مورد را به خود اختصاص داده است.

علی - ۹ مورد تشبیه و ۵ مورد استعاره و ۲ مورد کنایه و ۱ مورد مجاز را به خود اختصاص داده است.

رضا - ۴ مورد تشبیه دارد.

مهدی - ۱ مورد تشبیه دارد.

همان گونه که از سطرهای پیش بر می آید، سلیم اغلب از تلمیح به پیامبران در مقام شباهت سازی استفاده کرده است. در تلمیحات مربوط به پیامبران از میان تصویرهای خیالی، تشبیه جایگاه ویژه‌ای دارد. او با ۱۸۴ بار معادل درصد از انواع تشبیه در تلمیح به داستان پیامبران استفاده کرده است. کارکرد مهم تشبیه، تبیین، تعریف و محسوس کردن شبه است سلیم برای برجسته کردن شبه بیشترین گرایش را به تشبیه داشته است. سلیم برای انواع تشبیه را در شعرش به زیبایی سروده است.

### تشبیه مفرد به مفرد

به دریایی که هم چون نوح، من افکنده‌ام لنگر سفینه بر سر موجش بود تابوت ساحل‌ها

(دیوان: ۲۳)

چنان که مشاهده می شود در بیت بالا علاوه بر تشبیه مفرد به مفرد جابجایی مشبه و مشبه به نیز صورت گرفته است.

پی دفع خلایق زشتی کار شده چون گرگ یوسف آدمی خوار

(همان: ۴۳۴)



### تشبیه مرکب

ز انتظار قدم عهد تو دایم ایام چون عروسی ست که چشمش به ره داماد است

(همان: ۳۵۹)

گاه تزاحم تصویر در شعر سلیم تهرانی موجب می‌شود که او به اضافه تشبیهی روی آورد؛ چنان که گاه ترکیبات تشبیهی سلیم، ترکیبات تلمیحی به داستان پیامبران است. چنان که در جایی به صورت اضافه تشبیهی همت خود را به خضر تشبیه کرده است.

از قناعت می‌تواند زیست خضر همتم هم چو گوهر در تمام عمر با یک قطره آب

(دیوان: ۳۴۷)

تربیت پرورده شاه جهان، اسلام خان عیسی گردون سوار و آفتاب مه رکاب

(همان: ۳۷۲)

اغلب استعاره‌های مورد استفاده در شعرهای تلمیحی، بدیع و زیبا است استعاره‌های او در زمینه تلمیح به داستان پیامبران با ۶۴ مورد ساده است.

جان انتظار مقدم خورشید می‌کشد چون شمع صبح نیست عبث اضطراب ما

(دیوان: ۲۱)

کنایه نیز به عنوان آرایه‌ای بیانی که وسعت دهنده معنی است، رتبه سوم را در منظومه بلاغی قصاید سلیم احراز کرده است. شاعر با ۶۱ بار از کنایه در اشعار تلمیحی خود برای پروراندن پندارهای شاعرانه بهره برده است.

دریابد اگر چاشنی تلخی عمرم از آب بقا خضر کشد دست و دهن آب

(دیوان: ۴۹)

مجاز در اشعار سلیم در بخش با دیگر شگردهای شاعرانه در این شعرهای تلمیحی چندان گستردگی ندارد اما با کم‌ترین بسامد ابیات زیبایی را در این زمینه سروده است چنان که می‌گوید:

## ۱۲۰ بازتاب زیباشناختی سیمای پیامبران و امامان در دیوان سلیم تهرانی

خضر را ما نشناسیم، بیا ای ساقی      که لب تشنه ما دست تو را می‌بوسد

(دیوان: ۱۵۰)

چشم یعقوب، همین بر رخت ای یوسف نیست      چشم‌ها کرده چنین شوق تو بسیار سفید

(دیوان: ۱۶۸)

### هنجارشکنی در تلمیح

تلمیح به داستان‌های یوسف و زلیخا، یعقوب، خضر، آب حیات و... از بارزترین تلمیحات اشعار سلیم تهرانی است. در نگاه به اسطوره‌ها سلیم دارای دیدی دوگانه است. گاه چون شعرای متقدم شخصیت اسطوره‌ای و داستانی را ستایش می‌کند و گاه بر خلاف عادت معهود به انتقاد از مقام و شخصیت آنها می‌پردازد و به هنجارشکنی و مخالفت خوانی می‌پردازد. در واقع نوعی مخالف‌خوانی که بعدها در شعر بیدل و صائب به اوج رسید؛ در شعر سلیم به فراوانی دیده می‌شود. نمونه‌هایی از هنجارشکنی‌های سلیم در دیوان:

بین چه بر سر یعقوب آمد از یوسف      وفا مجوی ز معشوق اگر چه فرزند است

(دیوان: ۶۸)

چشم خویشان را حسد از بس به دولت شور کرد      شد چو یوسف پادشاه، اول پدر را کور کرد

(دیوان: ۱۴۹)

در این میان انتقاد سلیم به داستان خضر و اسکندر و آب حیات دارای بسامد بالایی است:

خضر را ما نشناسیم، بیا ای ساقی      که لب تشنه ما دست تو را می‌بوسد

(دیوان: ۱۵۰)

ایمن مشو از خضر که از سادگی او را      رهبر تو گمان می‌بری و راهزن توست

(دیوان: ۱۰۷)

### کاربرد آرایه‌های بدیعی

سلیم تهرانی با آگاهی از تأثیر صنایع بدیعی بر مخاطب به سراغ آن دسته از شگردهایی رفته است که ارزش هنری بیشتری دارند. وی در میان انواع صنایع بدیعی از مراعات نظیر، حسن تعلیل، ایهام تناسب، ایهام تضاد، تمثیل یا ضرب‌المثل و تلمیح بهره بیشتری برده است. سلیم از میان آرایه‌های بدیعی به اغراق و غلو بیشترین گرایش را داشته و ابیاتی در این زمینه به زیبایی سروده است. مثلاً در جایی می‌گوید:

نسیم نکهت خلقش به سوی کنعان برد      گذشت از عرق یوسف آب از سر چاه

(دیوان: ۳۴۵)

یا در جای دیگر در مدح حضرت علی (ع) با تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) از صنعت بدیعی اغراق استفاده کرده است.

ز شوق نامه یاران ز خود رود یوسف      صدای بال کبوتر چو بشنود در چاه

(دیوان: ۳۴۴)

سلیم تهرانی در تلمیح به داستان پیامبر از صنعت ایهام تناسب نیز استفاده کرده است. برای نمونه می‌توان به داستان حضرت آدم (ع) اشاره کرد:

ای که دست قدرتت هم پنجه صنع خداست      مشت خاکی قابلم، گر می‌کنی آدم مرا

(دیوان: ۴۳)

درین زمانه ز آدم نشان مجوی سلیم      ز دور آدم، چندین هزارسال گذشت

(دیوان: ۷۸)

از میان صنایع بدیعی که سلیم در تلمیح به داستان پیامبران استفاده نموده است تمثیل یا ضرب‌المثل است. چنان که می‌گوید:

ز بس گزند چو یوسف کشیده‌ام از چاه      چو مار می‌شود از ریسمان هراس مرا

(دیوان: ۴۱)

سلیم آن بی‌وفا آخر وفا بر وعده خواهد کرد      ولیکن عمر نوح و طاقت ایوب می‌خواهد

### نتیجه

زیبایی‌شناسی دانشی است که راجع به هنر و احساس زیبایی گفتگو می‌کند و هنر، کوشش برای خلق زیبایی است. سرچشمه زیبایی در ادبیات به طور ویژه در شعر به عوامل چندی از جمله موسیقی لفظی و معنوی آن منوط است؛ که شاعر مضمون یاب سبک هندی - سلیم تهرانی - این زیبایی را با تلمیح به داستان پیامبران و امامان چند برابر نموده است. یکی از جلوه‌های زیبای متون منظوم و مثنوی ادب فارسی به کارگیری صنایع و آرایه‌های ادبی در آن‌هاست. هرچه میزان استفاده از این صنایع بیشتر باشد، به همان اندازه اثر زیبا و بدیع خواهد بود. یکی از زیباترین سرچشمه‌ها در آفرینش پندارهای شاعرانه در شعر سلیم تهرانی زندگانی حضرت خضر (ع) است؛ که با تشبیهات و استعارات بدیعی، درک مطلب را برای خواننده بدیهی و روشن نموده است، حتی گاهی در میان این تلمیح‌ها به هنجارشکنی و تناقض‌گویی پرداخته است. از میان شیوه‌های بیانی، تشبیه و از میان آرایه‌های بدیعی، اغراق از بسامد بالایی برخوردار است. این رویکرد حاکی از این است که شاعر تمام تلاش خود را برای توصیف تصویرهای شعری با الهام از سیمای پیامبران و امامان نموده است. داستان پیامبران و امامان در دیوان سلیم، ابزاری است برای شاعر تا با استفاده از وقایع و حوادث خارق‌العاده زندگی ایشان، به القای مقصود خود بپردازد و با بهره‌گیری از جلوه‌های گوناگون زندگی انبیا به اشعار خود، مایه زیبایی شناختی دهد.

## منابع و مآخذ

- ۱- پورنامداریان، تقی. داستان پیامبران در کلیات شمس، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۲- تجلیل، جلیل. معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- ۳- سلیم تهرانی، محمدقلی. دیوان، به کوشش محمد قهرمان، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۰.
- ۵- شمس قیس. المعجم فی المعانی الشعر العجم، به کوشش سیرویس شمیسا، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
- ۶- شمیسا، سیرویس. فرهنگ تلمیحات و اشارات داستانی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
- ۷- صیادکوه، مقدمه‌های بر نقد زیبایی‌شناسی. تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۶.
- ۸- علوی‌مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. معانی و بیان. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- ۹- قرشی، محمدحسین، «مجموعه مقالات اولین همایش ادبیات کودکان و نوجوانان»، بیرجند، گلرو، ۱۳۸۳.
- ۱۰- کزازی، میرجلال الدین. زیباشناسی سخن پارسی(بیان). تهران: نشر مرکز، کتاب ماد تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۱- گیوی، احمد؛ انوری، حسن. دستور زبان فارسی. ۱. تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۸۰.
- ۱۲- نفیسی، آذر، «چشم‌ها را باید شست»، مجله کلک، شماره ۲، ۱۳۶۹.
- ۱۳- نیشابوری، ابواسحق، قصص الانبیا. به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: بنیاد نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۴.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعت ادبی. تهران: نشر اهورا، ۱۳۸۹.